

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۲

سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۶

بازشناسی مفهومی انتظار با رویکرد عام و خاص از منظر شیعه و اهل سنت

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

در این مقاله موضوع انتظار با رویکرد عام و خاص از منظر شیعه و اهل سنت مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. مقوله انتظار دارای تنوعات و ابعاد مختلفی است که با سه نگرش رویکردی، کارکردی و کاربردی توجیه می‌شود. نگرش رویکردی، انتظار را از نظر عام و خاص بررسی می‌کند. نگرش کارکردی، تأثیرات انتظار را در افراد و جامعه تحلیل می‌کند و نگرش کاربردی، قلمروی انتظار را از حیث فرا دینی و فرا مذهبی می‌کاود. ذکر مقدمه، آغازین بحث این نوشتار است که دورنمای تحقیق را نشان می‌دهد. بعد از بیان مقدمه به مفهوم شناسی انتظار و قلمروی آن مبادرت می‌شود. بحث بعدی، تحلیل و بررسی انتظار با رویکرد عام و خاص از منظر شیعه است که ابتدا با دلایل و قرائین سه گانه نظیر «توجیه صدوری با پرسش‌های خاص» و «توجیه صدوری با واژگان خاص» و نیز «فهم و کاربرد خاص» به توجیه انتظار خاص می‌پردازد و در ادامه و فرایند بحث به نظرگاه اهل سنت پیرامون انتظار توجه می‌شود که بر این اساس روایات انتظار با رویکرد عام و خاص در منابع حدیثی اهل سنت مورد گفتگو قرار می‌گیرد و در آخر، مقاله با ذکر نتیجه‌ای به پایان می‌رسد.

واژگان کلیدی

انتظار، انتظار عام، انتظار خاص، صدور خاص، کاربرد خاص، انواع انتظار.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (hosainelahi1212@gmail.com).

انتظار از جمله آموزه‌های مهم مهدویت است که مورد قبول و باورداشت همه گروه‌های اسلامی می‌باشد. موضوع انتظار به جهت پیچیده بودن و پردامنه بودن دارای ابعاد و قلمروی مختلفی است که از نظر ماهیت به رویکردهای عام و خاص تقسیم می‌شود، و از نظر کاربرد به شاخصه فرا مذهبی و فرا دینی متنوع می‌شود و از نظر کارکرد به کارکردهای فردی و اجتماعی انقسام می‌پذیرد. در این نوشتار در میان گونه‌های مختلف رویکردی، کاربردی و کارکردی انتظار، تنها به گونه رویکردی انتظار که در قالب دو قسم عام و خاص باز شناسی می‌شوند توجه شده و نظرگاه شیعه و اهل سنت را در این خصوص به صورت مجزا به بحث می‌گذاریم.

بی تردید مقوله انتظار با رویکرد عام و خاص، یکبار از منظر روایات و منابع روائی، مورد غور و کنکاش قرار می‌گیرد و بار دیگر از منظر اندیشمندان و باورمندان اسلامی و به بیان دیگری بار به صورت حدیث محور و بار دیگر به صورت باور محور دنبال می‌شود که در این مقال تنها به قسمت اول (حدیث محور) پرداخته می‌شود یعنی در اینجا مقوله انتظار با رویکرد عام و خاص به صورت حدیث محور مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. که لازم است قبل از ورود به بحث به دو نکته اشاره شود نکته اول این که مقوله انتظار با رویکرد سه گانه فوق فاقد پیشینه بوده و در هیچ کتاب و تک نگاره مهدوی به این موضوع پرداخته نشده است و نکته دوم این که روایات انتظار در منابع حدیثی اهل سنت اولاً؛ بسیار محدود بوده و تعداد آنها از عدد سه تجاوز نمی‌کند. ثانیاً؛ این تعداد محدود نیز در جهت انتظار عام تعریف شده‌اند نه انتظار خاص. اما وقتی به منابع حدیثی شیعه نظر می‌افکنیم عکس این قضیه را خواهیم دید یعنی اولاً؛ روایات بسیاری در این خصوص در منابع حدیث شیعه آمده است. ثانیاً؛ علاوه بر انتظار عام، بسیاری از آنها در راستای انتظار خاص توجیه و تعریف می‌شوند. پس دیدگاه شیعه و اهل سنت از نظر روایات الانتظار فاصله زیادی از یکدیگر گرفته و از یکدیگر جدا شده‌اند زیرا یکی تنها به توجیه انتظار عام می‌پردازد و دیگری علاوه بر انتظار عام به توجیه انتظار خاص نیز می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی انتظار

انتظار از نظر لغت

واژه انتظار از ریشه «نظر» می‌باشد که در باب افتعال به کار برده شده، از مترادف‌های معنایی آن تأتی و ترقب است (اقرب الموارد، فرهنگ بزرگ جامع نوین) و در لغت به معنای

تأمل کردن، چشم داشتن، چشم براه بودن، امید داشتن و امیدوار بودن است. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۱۹. دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۸، ۲۹۴) آن چه باعث تمایز این واژه از مترادف های آن می شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است که به طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می رود. «مطاوعه» به معنای تأثیرپذیری است و بدین خاطر معنای واژه انتظار برابر با «چشم به راه شدن» خواهد بود. از مطلب مذکور به این نتیجه می رسیم که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، یک سلسله اموری مترتب می شود و بین وی و آن چه منتظر آن است رابطه تأثیر و تأثر برقرار است.

انتظار از نظر اصطلاح

چنان که انتظار با دو رویکرد عام و خاص توجیه پذیر است در معنای اصطلاحی نیز باید همین دو معنا مدنظر باشد. یعنی مقوله انتظار یک بار با رویکرد عام و بار دیگر با رویکرد خاص قابل تعریف می باشد که از این رو انتظار عام در اصطلاح، به معنای امید و امیدواری جهت گشایش و فراخی کار در امور زندگی است که این امور زندگی به فردی و اجتماعی تقسیم می شود و امور اجتماعی نیز شامل همه ابعاد آن نظیر مشکلات اقتصادی، سیاسی و... می شود. به عبارت دیگر متعلق انتظار اصطلاحی عام، مطلق مشکلات و معضلات در همه ابعاد و رویکردهای مختلف اجتماعی و فردی است.

صاحب مکیال المکارم در کتابش درباره مفهوم شناسی انتظار می نویسد:

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آن چه انتظارش را می کشیم از آن بر می آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است. (اصفهانی؛ ۱۴۲۱: ۴۵)

در برابر آن انتظار خاص قرار دارد که متعلق آن مشکلات و معضلات خاص می باشد اما انتظار خاصی که در این نوشتار در صدد تبیین و تشریح آن هستیم انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است. بر این اساس انتظار اصطلاحی خاص به معنای امید داشتن به تحقق ظهور و آمدن منجی آسمانی به نام امام مهدی علیه السلام است یعنی چشم داشتن به فرا رسیدن روز موعود که موعود جهانی با آمدنش زمین و زمینیان را خوش بخت کرده و بستر زندگی انسانی را برای انسان ها فراهم نماید. به بیان دیگر انتظار فرج به معنای تهیو و ترقب (الحرانی؛ ۱۳۶۳: ۱۰۶) و یا به معنای آمادگی روحی و عملی برای ظهور امام زمان علیه السلام جهت یاری رساندن به آن حضرت است که در این خصوص باید از کارهایی که با این عمل منافات دارد دوری کرد. (الخویی؛ ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۱۹)

شیخ صدوق در کتاب *عیون الاخبار* ابتدا روایت «بهترین عبادات امت من انتظار فرج در امور مسلمین از ناحیه خداست» را از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند و بعد در ذیل آن به تبیین انتظار اصطلاحی خاص پرداخته و می‌گوید:

معنی انتظار فرج الهی؛ خود را آماده و مهیای آن نمودن است، و کوشش و خودسازی برای آمدن آن مانند کسی که انتظار وقت نماز، یا وقت افطار، یا آمدن مسافر را می‌کشد، نه این که بدون هیچ گونه اقدامی دست روی دست بگذارد، و بگوید: هر چه شدنی است خواهد شد، انتظار فرج آل محمد ﷺ را کسانی دارند که در راه تحقق آن شبانه روز می‌کوشند و خود و جمعیت خود را برای آن آماده می‌سازند، و باید دانست که تا مردمی خود را صد در صد آماده و مهیای آن ننمایند، امکان ندارد که بدان دست یابند، و هرگاه ما خود را برای تحقق و پذیرش آن آماده ساختیم، خداوند يك شبه کار را تمام می‌کند و رحمت خود را شامل ما خواهد گردانید، و در غیر این صورت محال است، و به حسب روایات مستفیضه این جمعیت در جهان پیدا خواهند شد و سعادت دیدار محبوب را خواهند یافت و به مطلوب خواهند رسید. (صدوق؛ ۱۳۷۲: ج ۲، ۳۳)

چنان که امام جواد علیه السلام در باره واژه منتظر و معنای آن می‌فرماید:

و سمی المنتظر لا انتظار المخلصین خروجه بعد غیبتہ، له غیبة يطول أمدها (البیاضی؛ ج ۲، ۲۳۱)؛
نام‌گذاری مهدی علیه السلام به منتظر به جهت انتظاری است که مخلصین بعد از غیبت او می‌کشند و برای او غیبت طولانی است.

در کتاب *اعلام الوری طبرسی* همین روایت با تفاوت‌هایی آمده است:

لِم سَمِي الْمُنْتَظَرُ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَامُهَا وَيَطْوُلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ (الطبرسی؛ ۱۳۹۰: ۴۳۶)؛

عرض کردم: چرا به او منتظر گفته‌اند؟ فرمود: برای این که غیبتش به طول خواهد انجامید، و افراد مخلص در انتظار خروج او خواهند بود.

از مجموع تعاریف و مفهوم‌شناسی اصطلاحی انتظار خاص سه نکته و یا سه پیام قابل برداشت است: پیام اول رضایت نداشتن از وضعیت موجود است دومین پیام، امیدواری نسبت به آینده مطلوب می‌باشد و سومین پیام، آمادگی و حرکت به سوی وضعیت مطلوب و رسیدن به جامعه ایده‌آل مهدوی است. پس مفهوم انتظار در ابعاد سه گانه فوق خلاصه شده و انتظار صحیح و عالی باید همه آنها را به صورت مجموعی داشته باشد.

انواع انتظار

مقوله انتظار از جهات مختلف به تنوعات گوناگونی قابل تقسیم است از نظر ماهیت به عام و خاص تقسیم می‌شود و از نظر کارکرد به اجتماعی و فردی انقسام می‌پذیرد و از نظر غایت به انتظار صحیح و غلط منتهی می‌شود و از نظر گستره به انتظار قلبی، انتظار زبانی و انتظار عملی متنوع می‌شود در این تحقیق در میان تنوعات و تقسیمات مختلف انتظار که با رویکردهای چهارگانه ماهیت شناختی انتظار، کارکرد شناختی انتظار، غایت شناختی انتظار و گستره شناختی انتظار توجیه می‌شوند. تنها به رویکرد ماهیت شناختی انتظار که انتظار را به عام و خاص تقسیم می‌کند خواهیم پرداخت. پس انتظار عام به معنای انتظار مطلق است و در برابر آن انتظار خاص یعنی انتظار مقید قرار دارد و واژه مقید شامل هر نوع انتظار خاص می‌شود اما بحثی که در این نوشتار مطرح است تنها انتظار خاص یعنی انتظار ظهور امام زمان علیه السلام منظور است نه هر انتظار خاص و مقیدی دیگری پس انتظار مطلق و عام از آنجائی که با حیطة و گستره اطلاقی ظاهر می‌شود نیاز به تحدید و تعیین ندارد زیرا در کنار این انتظار، انتظار مطلق دیگری وجود نخواهد داشت اما انتظار خاص به تعداد مؤلفه‌های خاص، متنوع و متکثر می‌شود از این رو لازم است مشخص شود که مقصود از انتظار خاص در این نوشتار کدام است.

انتظار عام

انتظار عام، انتظاری است کلی و مطلق که شامل امید به گشایش هر نوع سختی و مشکلاتی می‌شود به تعبیر دیگر انتظار عام، انتظاری است که متعلق آن عام و مطلق بوده و به معنای امید و امیدواری نسبت به هر نوع مشکل و معضلی؛ اعم از مادی و معنوی، دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی و... است.

چنان که امیر مومنان علی علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های سائلی می‌فرماید:

... قَالَ فَأَيُّ الْمَصَائِبِ أَشَدُّ قَالَ الْمُصِيبَةُ بِالِدِينِ قَالَ فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
قَالَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ قَالَ فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَحْوَفُهُمْ لِلَّهِ وَأَعْمَلُهُمْ
بِالتَّقْوَى وَأَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا... (صدوق؛ ۱۴۰۰: ۳۹۵. القضاعی؛ بی تا: ۱۰۳)؛

کدام مصیبت سخت‌تر است؟ فرمود مصیبت در دین، کدام عمل پیش خدا محبوب‌تر است، فرمود انتظار فرج، کدام مردم نزد خدا بهترند؟ فرمود ترساتر و با تقواترشان و زاهدترشان در دنیا.

چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

أفضل العبادة انتظار الفرج (المیثمی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۴۷؛ السیوطی، ۱۴۰۱: ۱۹۲).

علاوه بر روایات در قرآن نیز به انتظار فرج با رویکرد عام اشارت شده است نظیر آیه: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۶)

موارد فوق تنها به عنوان شاهد مثال ذکر شده که البته موارد بیشتر، و تبیین و تحلیل آنها در ادامه نوشتار به صورت مفصل خواهد آمد.

انتظار خاص

چنان که در اصطلاح‌شناسی بیان شد انتظار خاص یا مقید؛ انتظاری است که تعلق و تقید به امر یا امور خاصی داشته و به طور نسبی گشایش و امید را در دایره محدود دنبال می‌نماید. آری یک بار انتظار عام مطرح است که متعلق آن محدود به امر یا امور خاصی نبوده و شاخصه مهم آن عدم تقید و تحدید از نظر متعلق می‌باشد و بار دیگر انتظار خاص مطرح است که این نوع انتظار در برابر انتظار عام قرار داشته و از نظر متعلق، تقید و محدودیت دارد. البته محدودیت و تقید انتظار خاص نسبی است یعنی؛ بعضاً متعلق آن یک امر است مثل ظهور امام زمان عجل الله فرجه و بعضاً چندین امر تحت یک عنوان کلی، مثل انتظار گشایش در امور مادی و یا معنوی، و یا انتظار فرج در امور دنیائی و یا آخرتی از این قبیل امور که در واقع عمومیت دارند ولی نسبت به انتظار مطلق به صورت نسبی، خاص و محدود می‌باشند.

چنان که امام باقر ع در پرسش ابی جارود در بیان شاخصه‌های دین اهل بیت علیهم السلام به انتظار خاص که همان انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه باشد اشاره می‌فرماید:

وَاللّٰهُ لَأَعْطِيَنَّكَ دِيْنِي وَدِيْنَ آبَائِي الَّذِي نَدِيْنُ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ بِهٖ شَهَادَةٌ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله وَاِلْقَارِ بِمَا جَاءَ بِهٖ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَالْوَلَايَةَ لَوْلِيْنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوْنَا وَ السَّلَامِيْمَ لِأَمْرِنَا وَ اِنْتِظَارَ قَائِمِنَا (كليني؛ ۱۳۶۲: ج ۲، ۲۲)؛

به خدا دین خود و دین پدرانم را که خدای عزوجل را با آن دینداری می‌کنیم، به تو می‌گویم. آن دین؛ شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد صلى الله عليه وآله و اقرار به آن چه او از جانب خدا آورده و ولایت ولی ما و بیزاری از دشمن ما و گردن نهادن به فرمان ما و انتظار قائم ما.

باز امام باقر ع در روایت دیگری به انتظار خاص تحت عنوان «فرج آل محمد» اشاره می‌فرماید:

اِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شَبِهَةَ الْهَرْدِيِّ الْعَظِيْمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ اَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ

آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ كَرِيمٌ (الطبرسی؛ ۱۳۹۰: ۴۵۸)؛

هنگامی که آتش مانند بنای مرتفعی از طرف مشرق دیده شود و این وضع چند روز طول می‌کشد، در این وقت منتظر فرج آل محمد باشید، زیرا خداوند کریم و عزیز است.

شاخصه‌ها و معیار انتظار خاص در روایات

انتظار خاص در روایات با شاخصه‌ها و معیار خاصی از انتظار عام متمایز می‌گردد بی‌تردید وقتی که با معیار و شاخصه‌های معین دست به شناسائی انتظار خاص زده و شعاع و گستره آن را تبیین و تحدید نمودیم به‌طور قهری حریم و شاخصه انتظار عام بر ملا شده و دیگر نیازی به پرداختن آن به صورت مستقل و مجزا نمی‌باشد. از این رو در این نوشتار تنها به تبیین حدود و ثغور انتظار خاص پرداخته و به معیار و ملاک تحدیدکننده آن اشاره می‌شود که این مهم از طریق مؤلفه‌ها و الگوهای برآمده از متن روایات و فهم مفسران روایی و حدیث شناسان و نیز از طریق جایگاه گذاری احادیث و کاربرد آنها توسط محدثین بدست خواهد آمد. به‌طور کلی از داده‌های روایی و از برداشت‌های فهم مفسران، می‌توان به دو نوع معیار و ملاک برای جداسازی انتظار خاص از انتظار عام دست یازید. «زمینه‌های صدور روایات» اولین معیاری است که در این خصوص مطرح است که خود به دو قسم «زمینه‌های صدور با پرسش‌های خاص» و «زمینه‌های صدور با محتوا و واژگان خاص» انقسام می‌پذیرد. دومین معیار جداسازی انتظار خاص از عام «فهم مفسران و به‌کارگیری روایات در جایگاه خاص» می‌باشد. پس به‌طور کلی سه معیار «صدور خاص»، «واژگان خاص» و «کاربرد خاص» معیار و ملاک تمیز انتظار خاص از انتظار عام در منابع روایی شیعه می‌باشد که در ذیل به تفصیل آن می‌نشینیم.

الف) زمینه‌های صدور روایات

از جمله معیار و ملاک تشخیص انتظار خاص و تمایز آن از انتظار عام، زمینه‌های صدور روایات انتظار می‌باشد، زمینه‌های صدور روایات انتظار خاص، بعضاً به محتوا و متن روایات مربوط می‌شود و بعضاً به پرسش‌هایی که راویان در مورد مهدویت از حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌پرسند ارتباط دارد و نیز بعضاً به پیوندی که متن روایات با مسئله ظهور و قیام امام زمان علیه‌السلام پیدا می‌کند مرتبط می‌شود و بعضاً در قالب واژگان خاصی که در روایات آمده توجیه می‌شود.

زمینه‌های صدور با پرسش‌های خاص

به جهت اهتمام ورزی اصحاب و یاران ائمه علیهم‌السلام نسبت به مباحث مهدویت و نیز بخاطر

فشارهای سیاسی و اجتماعی مخالفان و حاکمان جور نسبت به مسلمانان و نیز به جهت تلاش و کوشش بی‌وقفه حضرات معصومین علیهم‌السلام جهت معرفت بخشی به مسلمانان نسبت به مسائل مهدویت، همه اینها به نوعی حس دغدغه‌مندی و آگاهی خواهی نسبت به مباحث مهدویت را در مردم ایجاد کرده و زمینه طرح پرسش‌هایی نظیر چیستی ظهور، زمان رخداد ظهور، چگونگی وظایف منتظران و... را در اذهان آنان شکل بخشیده است. که بی‌تردید این پرسش‌های خاص پیرامون ظهور و انتظار، بستر پاسخ‌های خاص را از طرف حضرات معصومین علیهم‌السلام فراهم نموده است. بر این اساس گفته می‌شود؛ یکی معیار و ملاک انتظار خاص، صدور پرسش‌ها و پاسخ‌های خاص است.

مثلاً؛ در کتاب کمال الدین روایتی نقل شده است که پرسشگر در این روایت ابی خالد کابلی است که ایشان از امام سجاد علیه‌السلام در مورد ائمه (از جمله امام مهدی) و وظیفه‌ای که مردم در برابر آنها دارند می‌پرسد حضرت در پاسخ، ابتدا به وقایع بعد از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره کرده و بعد به بیان جانشینان دوازدهگانه ایشان می‌پردازد و تا این که به دوازدهمین حجت خدا یعنی امام زمان علیه‌السلام رسیده و به بیان شاخصه‌های حضرت و مظلومیتی که در حق ایشان از ناحیه جعفر کذاب روا داشته می‌شود می‌پردازد و در ادامه به زمان غیبت و شاخصه‌های مردمان عصر غیبت پرداخته و در نهایت روایت را با این مطلب به پایان می‌برد: *انْتَظَرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ*. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۰) که در واقع از پرسشی که ابو خالد کابلی طرح می‌کند و از متن خاصی که در خلال این حدیث طولانی آمده است صدور این روایت را به سوی انتظار خاص هدایت می‌کند. گرچه از متن «انتظار الفرج من اعظم الفرج» که به ظاهر یک جمله مطلق و عامی است، انتظار عام و مطلق برداشت می‌شود. ولی پرسش خاصی که در صدر این روایت آمده زمینه طرح پاسخ خاص را فراهم می‌نماید و با فراهم شدن پاسخ خاص، زمینه برداشت مورد خاص که همان انتظار خاص باشد مهیا می‌شود.

باز در این خصوص اسحاق بن یعقوب توقیعی همراه با طرح پرسش‌های مختلف توسط نائب اول امام زمان علیه‌السلام جناب عثمان بن سعید عمری به محضر امام مهدی علیه‌السلام ارسال می‌کند که در این نامه از ظهور و زمان آن سوال می‌کند. که حضرت به خط خودش در جواب ایشان می‌نویسد:

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَائِدُونَ (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۸۴).

توقیع مورد نظر که دارای متن طولانی و مفصلی است در آن دو قرینه برای اثبات مدعا (انتظار خاص) وجود دارد که انتظار فرج با این که به ظاهر واژه عامی است، اختصاصی شده و به سوی انتظار خاص جهت پیدا می‌کند. نخستین قرینه، متن پرسشی است که اسحاق بن یعقوب مطرح کرده و در آن از ظهور و زمانش می‌پرسد. و قرینه دوم محتوای خاصی است که از جمله کذب الوقاتون، برداشت می‌شود زیرا جمله کذب الوقاتون متن خاصی است که فقط پیرامون ظهور و فرج امام زمان به کار می‌آید و تعیین‌کنندگان زمان رخداد فرج امام زمان علیه السلام را که فرج خاص باشد تکذیب می‌نماید. پس دو قرینه فوق یعنی پرسش خاص، محتوای خاص دلیل بر انتظار خاص و تمیز آن از انتظار عام است.

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های علی بن بابویه پیرامون زمان ظهور، می‌فرماید:

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظِرِ الْفَرَجَ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ وَلَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَوَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا (مجلسی، بی تا: ج ۵۹، ۳۱۸):

پیوسته شکیبائی را پیشه کن و منتظر فرج باش زیرا پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: بهترین اعمال امت من انتظار فرج است پیوسته شیعیان ما در غم و اندوهند تا موقعی که ظهور کند فرزندم همان کسی که پیامبر اکرم بشارت ظهور او را چنین داده: زمین را پر از عدل و داد نماید آن چنان که پر از ظلم و ستم شده است.

متن بالا قسمتی از نامه‌ای است که امام حسن عسکری علیه السلام برای علی ابن بابویه قمی پدر بزرگوار شیخ صدوق نوشته است در این نامه ابتدا به دو شاخصه مهم صبر و انتظار فرج اشاره شده است و در کنار یکدیگر قرار گرفتن آنها به نوعی مترتب و مکمل بودن آنها را نشان می‌دهد و همچنین در این روایت دو بار واژه انتظار فرج به کار رفته است یکبار از خود امام حسن عسکری علیه السلام و بار دیگر از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. بر اساس ظاهر متن حدیث، هر دو واژه انتظار در راستای انتظار مطلق و عام تعریف می‌شوند اما وقتی به پرسش خاص علی بن بابویه در باره زمان ظهور امام زمان علیه السلام توجه می‌کنیم پی خواهیم برد که انتظار فرجی که در صدر روایت آمده انتظار مطلق و عام نیست بلکه انتظار خاص است.

زمینه‌های صدور با جملات و واژگان خاص

از جمله راه‌های توجیه‌گری انتظار خاص، جملات و واژگان خاص است که در برخی از

روایات انتظار آمده است. منظور از جملات و واژگان خاص، جملات و واژگانی است که به نحوی با مسئله مهدویت مرتبط بوده و با آن پیوند خورده است و نیز به نوعی اختصاص به مهدویت داشته و تداعی‌گر مفاهیم و آموزه‌های خاص مهدویت می‌باشد نظیر: «فرج قائمنا»؛ «فرج آل محمد»؛ «امرنا»؛ «دولتنا»؛ «فرج امرنا»؛ «انتظار قائمنا» که این کلمات و الفاظ، مخصوص مهدویت بوده و به نحوی اشاره به اوصاف امام زمان علیه السلام و اوصاف نهضت جهانی و حکومت جهانی حضرت دارند که در واقع با این القاب و اوصاف می‌توان دامنه انتظار را تخصیص زد و انتظار خاص را از انتظار عام باز شناخت.

چنان که امام باقر علیه السلام در روایتی با بیان یکی از نشانه‌های ظهور، توجه مردم را برای رسیدن به فرج آل محمد که همان آمدن امام زمان علیه السلام باشد جلب می‌کند:

اِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهَرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ كَرِيمٌ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۳)؛

هنگامی که آتش مانند بنای مرتفعی از طرف مشرق دیده شود و این وضع چند روز طول می‌کشد، در این وقت منتظر فرج آل محمد باشید، زیرا خداوند کریم و عزیز است.

روایت بالا در سه منبع شیعه با اندک اختلافی نقل شده است از نظر تاریخی ابتدا در کتاب الغیبه نعمانی آمده و علامه مجلسی با اندک تفاوتی از آن نقل کرده و به جای ترکیب واژه «الهردی» واژه «الهروی» را آورده است. (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۲۳۰) و مرحوم طبرسی نیز در اعلام السوری به جای ترکیب «شبه الهمردی»، واژه «کهیئة المردی» را آورده است (الطبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۸). وجود این اختلافات هیچ گونه خدشه‌ای به مقصود ما که ارتباط این متن و پیوند آن به مباحث مهدویت است نمی‌زند. بی‌تردید در این روایت دو قرینه وجود دارد که ما را به مقصودمان (انتظار خاص) می‌رساند قرینه اول محتوای خاص است که همان بیان نشانه‌های ظهور می‌باشد و قرینه دوم واژه خاص است که همان «آل محمد» می‌باشد. آری محتوای خاص و واژه خاص دلیل بر انتظار خاص است. پس منظور از فرج و گشایشی که در این روایت آمده است، فرج و گشایش خاص یعنی فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است.

جابر جعفی به امام باقر علیه السلام می‌گوید: مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ؟ حضرت در جواب می‌فرماید:

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكِدْرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ (طوسی؛ ۱۴۱۱: ۳۳۹)؛

هیاهات! هیاهات! فرج ما تحقق نمی‌پذیرد مگر این که شما آزمایش شوید! باز هم آزمایش

شوید! باز هم آزمایش شوید! این راسه بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود، و پاکی بماند.

روایت فوق تنها از یک منبع یعنی الغیة شیخ طوسی نقل شده است و بحار الانوار (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۱۱۳) و اثبات الهداة هم به عنوان منابع بعدی از همین کتاب نقل نموده اند. در این روایت دو پیش زمینه صدوری یعنی پرسش خاص (مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ) و واژگان خاص (فَرَجُكُمْ و فَرَجْنَا) وجود دارد که قرینه است بر این که واژه فرج در این متن واژه مطلق نیست بلکه منظور، فرج امام زمان علیه السلام است. پس انتظاری که در پس این فرج نهفته است انتظار خاص می باشد.

در این مورد یعنی در خصوص انتظار خاص با واژگان خاص روایات فراوانی در منابع حدیثی نقل شده است که در این جا تنها به دو نمونه بدون تبیین اشاره می شود.
 امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ يَوْمًا لَا تَرَى فِيهِ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَحْبَبُ مَنْ كُنْتَ تُحِبُّ وَ
 أَبْغَضُ مَنْ كُنْتَ تُبْغِضُ وَوَالٍ مَنْ كُنْتَ تُوَالِي وَانْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحًا وَمَسَاءً (نعمانی،
 ۱۳۹۷: ۱۵۸)

هرگاه صبح و شام کردی و امامی را از آل محمد در آن وقت ندیدی همان کس را که دوست می داشتی دوست بدار و همان را که دشمن می داشتی دشمن بدار و با هر کس که پیوند ولایت داشتی داشته باش و صبح و شام منتظر فرج باش.

ابی جارود از امام باقر علیه السلام در خصوص شاخصه های دین واقعی که حضرات معصومین علیهم السلام بدان اعتقاد دارند می پرسد و حضرت می فرماید:

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةَ
 لِوَلِيِّنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا وَانْتِظَارَ قَائِمِنَا وَالْإِجْتِهَادَ وَالْوَرَعَ (کلینی، ۱۳۶۲:
 ج ۲، ۲۲):

شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد ﷺ و اقرار به آنچه خداوند نازل کرده، دوستی با دوستان ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم به امر ما، و انتظار قائم ما و عبادت و پرهیزگاری.

ب) فهم و کاربرد خاص

چنان که گفته شد دو قسم زمینه های صدوری یعنی «زمینه های صدوری با پرسش خاص» و «زمینه های صدوری با واژگان خاص» عوامل مهمی جهت تمیز انتظار خاص از انتظار عام

است. در کنار آنها، «فهم و کاربرد خاص» نیز عامل دیگری است جهت باز شناسی انتظار خاص از انتظار عام. فهم خاص یعنی تلقی و برداشتی که علماء و اندیشمندان شیعه نسبت به روایات انتظار دارند و کاربرد خاص یعنی قرار گرفتن و به کار رفتن روایات انتظار توسط علماء و اندیشمندان اسلامی در محل خاصی از کتاب که به طور قهری همین به کارگیری خاص زمینه کاربرد خاص را فراهم می‌کند. به بیان دیگر وقتی می‌بینیم روایات انتظار عام در منابع حدیثی شیعه یا اهل سنت در تبویب بندی کتاب در قسمت خاصی مثل مباحث مهدویت جاسازی شده‌اند خود این جاسازی و به کارگیری خاص نشان از برداشت خاص و کاربرد خاص این روایات از منظر صاحب این کتاب دارد حتی اگرچه مؤلف و صاحب کتاب در این مورد مطلبی را به صراحت بیان نکرده باشد.

نکته‌ای که باید در اینجا بیان شود این است که کاربرد خاص همیشه در مورد روایات انتظار عام به کار گرفته می‌شود یعنی روایات انتظار عام، متعلق کاربرد خاص است زیرا روایات انتظار خاص به طور قهری همیشه در کاربرد خاص مطرح بوده و خواهد بود. بر این اساس روایاتی که در این قسمت مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد، روایات انتظار عام است.

۱. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۴).

این روایت، روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که در قالب روایات انتظار با رویکرد عام تعریف می‌شود. ولی در منابع حدیثی شیعه در جایگاه و کاربرد خاص به کار رفته است. مثلاً شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین* که یک کتاب مهدوی است این روایت را در کنار روایات دیگر مهدویت قرار داده و تنظیم نموده است. کاربرد خاص این روایت در کتاب *کمال الدین* به دو جهت است نخست به جهت مشهور بودن این کتاب به عنوان کتب مهدویت. دوم به جهت جای‌گذاری و تبویب این روایت در میان روایات مهدویت که این دو جهت نشان از برداشت خاص و کاربرد خاص از ناحیه مؤلف دارد. پس با این برداشت خاص و کاربرد خاص، رویکرد عام در این روایت، تخصیص خورده و به سوی رویکرد خاص که همان انتظار خاص باشد سوق داده می‌شود.

البته همین روایت در کتاب *عیون اخبار الرضا* با رویکرد عام مطرح شده و شیخ صدوق مؤلف کتاب هیچ‌گونه برداشت و کاربرد خاصی از آن ارائه نداده است. (صدوق، ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۷)

در کتاب *خصال* توقیعی نقل شده که امام حسن عسکری علیه السلام برای ابن بابویه پدر شیخ صدوق نوشته است در این توقیع امام حسن عسکری روایت بالا را که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، با کاربرد خاص مطرح کرده است:

مَمَا كَتَبَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِيِّ وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظِرِ الْفَرَجَ فَإِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ وَلَا تَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَوَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله بِمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدَلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۹)

در این توقیع روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که دارای رویکرد عام است در کاربرد خاص به کار رفته و با برداشت خاص به سوی انتظار خاص هدایت شده است زیرا بعد از روایت انتظار، مطالبی چون «لَا تَزَالُ شَيْعَتُنَا...» در این توقیع آمده که این قرینه است بر تخصیص خوردن انتظار عام. پس منظور از روایت انتظار در این توقیع انتظار خاص است.

۲. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷).

روایت فوق از جمله روایت های انتظار با رویکرد عام است ولی در منابع حدیثی شیعه جایگاه و کاربرد خاص پیدا کرده و به سوی رویکرد خاص هدایت شده است. مثلاً شیخ صدوق این روایت را در کتاب *کمال الدین* ذکر کرده است خود اصل نقل آن در کتاب *کمال الدین* که یک کتاب مهدوی است نشان از کاربرد خاص از این روایت دارد. در ثانی تبویبی که مؤلف در این کتاب ایجاد کرده و این روایت را تحت باب «ما اخبر به النبی صلی الله علیه و آله من الوقوع الغیبه بالقائم» قرار داده دومین دلیل از برداشت خاص و کاربرد خاص از این روایت عام می باشد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷) همچنین علامه مجلسی در کتاب *بحار الانوار* این روایت را در کاربرد خاص به کار برده و از آن برداشت خاص نموده است بابتی که به این امر اختصاص داده و روایت مورد نظر را در آن قرار داده است باب: «فضل انتظار الفرج و مدح الشیعه فی زمان الغیبه» می باشد. (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۱۲۵) پس روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که روایتی عام بوده و در مورد مطلق انتظار فرج کاربرد داشته، در این دو کتاب که از جمله منابع حدیثی شیعه است مؤلفین محترم با برداشت خاص، آن را در باب خاصی که مربوط به مهدویت باشد قرار داده اند که خود این دلیل بر هدایت مفهومی این روایت به سوی رویکرد خاص که همان انتظار فرج امام زمان علیه السلام

باشد، می‌باشد.

انتظار با رویکرد عام و خاص در منابع اهل سنت

چنان که بیان شد در منابع حدیثی شیعه روایات انتظار با دو رویکرد عام و خاص قابل توجیه بودند و در این خصوص برای اثبات آن، دلایل و مؤلفه‌هایی با نگرش‌های کاربردی و صدور ذکر گردید. اما در منابع حدیثی اهل سنت که در این خصوص روایات محدودی داریم یعنی روایت انتظار بیشتر از چهار عدد نیست. انعطاف و قابلیت که در منابع حدیثی شیعه وجود دارد در این منابع وجود ندارد. پس با این محدودیت در منابع، کاربرد و صدور، نمی‌توان روایات انتظار را با دو رویکرد عام و خاص تقسیم و تعریف کرد. بر این اساس روایات انتظار در منابع حدیثی اهل سنت در واقع تک رویکردی است یعنی تنها با رویکرد عام توجیه می‌شود در اینجا ابتداء تنها به نقل روایات چهارگانه و منابع آنها اشاره می‌شود و در ادامه به تبیین و توضیح آنها خواهیم پرداخت.

روایت اول؛ رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

سلوا الله من فضله فان الله يحب أن يسأل وافضل العبادۃ انتظار الفرج (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۲۶).

این روایت را محدثین و مؤلفین فراوانی از اهل سنت در کتاب‌های خویش آورده‌اند. البته در منابع حدیثی شیعه نیز به صورت تقطیع (افضل العبادۃ انتظار الفرج) نقل شده است. در منابع اهل سنت اولین منبعی که به این روایت پرداخته سنن ترمذی می‌باشد. (همو) و بعد از آن در کتاب *مسند الشهاب* قضاعی. (القضاعی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۲۴۵)، *الدعا* طبرانی (الطبرانی، ۱۴۱۳: ۲۹)، *مجمع الزوائد* هیثمی (الهیثمی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۴۷)، *الجامع الصغير* سیوطی (السیوطی، ۱۴۰۱: ج ۳، ۲۷۵) و... نیز آمده است.

روایت دوم؛ رسول گرامی اسلام ﷺ در باره انتظار و رابطه آن با صبر می‌فرماید:

اِنْتَظِرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ (القضاعی؛ ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۲).

در واقع نقل این روایت در منابع اهل سنت برای اولین بار از کتاب *مسند الشهاب* قضاعی (همو) می‌باشد و نیز در کتاب‌های دیگر حدیثی نظیر *شعب الایمان* بیهقی (البیهقی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۹۴)، *الجامع الصغير* سیوطی (السیوطی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۴۱۷) *میزان الاعتدال* ذهبی (الذهبی، بی تا: ج ۳، ۲۵۶)، *کنز العمال* متقی هندی (المتقی الهندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۷۲) و...

نیز نقل شده است.

روایت سوم و چهارم؛ پیامبر گرامی اسلام ﷺ در دو روایت دیگر می‌فرماید:

انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عِبَادَةَ (البیهقی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۰۵).

انْتَظَرُ الْفَرَجَ عِبَادَةَ (المرجانی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۶).

به نظر می‌آید سه روایت اخیر که با تفاوت‌های اندکی از رسول گرامی اسلام ﷺ در منابع مختلف اهل سنت نقل شده است. همگی از نظر سبک و سیاق به یک روایت باز گردند. بر این اساس می‌توان گفت که روایات موجود پیرامون انتظار در منابع حدیثی اهل سنت بسیار محدود بوده و از عدد دو تجاوز نمی‌کند. البته در کتاب *الفرج بعد الشدة* به تألیف التنوخی که به احتمال زیاد از مؤلفین اهل سنت در قرن چهارم قمری است روایت مرفوعی در این خصوص از امیرمؤمنان علی ع نقل شده که حضرت می‌فرماید:

أفضل ما يعمله الممتحن انتظار الفرج (التنوخی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۶).

نکته قابل توجه این که این روایات تنها از یک منبع به نام کتاب *الفرج بعد الشدة* نقل شده و در هیچ منبع دیگری اعم شیعه و اهل سنت نیامده است و هیچ‌گونه توجه‌ای از ناحیه علماء و مؤلفین شیعه و اهل سنت بدان نشده است. بر این اساس نمی‌توان این روایت را جزو خانواده روایات الانتظار به حساب آورد و به عنوان یکی از روایات انتظار در دایره روایات چهارگانه انتظار قرار داد. حال باید دید، با توجه به محدود بودن روایات انتظار از نظر تعداد، و کثیر بودن آن از نظر نقل و منابع نقلی، از نظر جایگاه، صدور و کاربرد و رویکرد چگونه توجیه و تفسیر می‌شوند. قبل از پرداختن به رویکرد، کاربرد، جایگاه و صدور روایت انتظار به نکات چهارگانه‌ای اشاره می‌شود:

۱. روایات چهارگانه انتظار، همگی منقول از رسول گرامی اسلام ﷺ است؛

۲. قالب منابع حدیثی اهل سنت بدون تحلیل و تبیین تنها به نقل روایات چهارگانه

انتظار پرداخته‌اند؛

۳. در دو کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری هیچ‌گونه ذکری از این چهار روایت به میان

نیامده است؛^۱

۱. البته لازم به ذکر است گرچه روایات انتظار به صورت صریح در دو کتاب صحیحین نیامده ولی در قالب انتظار عام و به صورت تلویحی آمده است.

۴. با یک نگاه دقیق ترمی توان چهار روایت فوق را به دو روایت تقلیل داد.

بی تردید روایات چهارگانه انتظار که در قالب دو روایت تجمیع می‌شوند از نظر صدور نه دارای پرسش‌های خاصی است که دامنه مفهومی انتظار را محدود کند و نه دارای واژگان و جملات خاصی است که انتظار عام را به سوی انتظار خاص سوق دهد. و همچنین نه دارای کاربرد و جایگاه خاصی است که تداعی گر برداشت خاص از ناحیه علمای اهل سنت است. مثلاً در مورد روایت اول (سلوا الله من فضله فان الله يحب أن يسأل و افضل العبادۃ انتظار الفرج) که در منابع بی شماری از تألیفات علمای اهل سنت آمده است در برخی از این منابع تنها به صرف نقل اکتفا شده و هیچ‌گونه توضیحی حتی به صورت کوتاه و مجمل نیز داده نشده است. (الترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۶۶) ولی در برخی از کتاب‌های حدیثی نظیر *عمدة القاری*، *شعب الایمان*، *کنز العمال* و... در ذیل باب دعا و استجاب دعا و آداب دعا این روایت ذکر گردیده است. و همین روایت در کتاب‌های تفسیری اهل سنت غالباً در ذیل آیه «و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للساء نصیب مما اکتسبن و سئلوا الله من فضله ان الله کان یکل شیء علیما» (نساء: ۳۲) آمده است.

تقریباً غالب مفسران اهل سنت (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۱، ۵۰۰؛ السیوطی، بی تا: ج ۲، ۱۴۹) در ضمن بیان تفسیر آیه (که به هر کدام از مردان و زنان جایگاه خاصی داده شده که باید به این جایگاه واقف بوده و آرزوی جایگاه دیگری را نداشته باشند)؛ به این روایت اشاره کرده و به نحوی آن را جزو روایت تفسیرگر این آیه قلمداد نموده‌اند و نگرشی که به این روایت انتظار دارند نگرش عام است و جایگاه و کاربردی که برای این روایت در نظر گرفته‌اند نیز عام می‌باشد پس محدثین و مفسرین اهل سنت نسبت به روایت مورد نظر نه توجیه صدور خاص دارند و نه کاربرد خاص. بر این اساس از این روایت انتظار عام برداشت می‌شود نه انتظار خاص.

اما سه روایت اخیر که به نوعی به یک روایت باز می‌گردد در بیش از بیست منبع از منابع حدیثی اهل سنت آمده است که اولین منبع از نظر تاریخی *مسند الشهاب* (القضاعی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۶۲) می‌باشد که القضاعی بدون هیچ‌گونه توضیح و تبیینی و بدون هیچ‌گونه بیان توجیه صدور و کاربرد خاصی آنها را نقل نموده و آن را تحت عنوان "انتظار الفرج بالصبر عبادة" تبویب بندی کرده است. در کتاب *شعب الایمان* (البیهقی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۰۴) بیهقی این روایت سه‌گانه به صورت یک جا در فصل مستقلی تجمیع شده و در همین فصل روایات دیگری با

مضامین مشکلات و شداید دنیا و چگونگی خلاصی از آن نیز آمده است که آمدن این روایات خود قرینه است بر این که منظور مؤلف از روایات انتظار، انتظار عام است که مربوط به مشکلات و معضلات دنیائی و چگونگی گشایش از آن می‌باشد. و قرینه دیگری که در اینجا وجود دارد و دلیل است بر انتظار عام، باب بندی است که در این کتاب به کار رفته است تحت عنوان: فی ذکر ما فی الأوجاع و الأمراض و المصیبات. همین فرایند در کتاب *الجامع الصغیر* (السیوطی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۴۱۷) نیز طی شده است ولی در این کتاب روایات «انتظار الفرج من الله عبادة» با اضافاتی مثل «و من رضی بالقلیل من الرزق رضی الله تعالی منه بالقلیل من العمل» نقل شده است که این اضافات، خود قرینه است بر این که منظور از انتظار در اینجا انتظار عام است. اما در کتاب *فیض القدیر* (المناولی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۶۷) که جزء علمای معاصر اهل سنت است روایات سه‌گانه به طور یکجا نقل شده و مؤلف قریب به دو صفحه پیرامون آنها توضیح داده است ولی توضیحات و بیانات ایشان همان نگرش و برداشتی است که علمای سلف اهل سنت پیرامون روایات انتظار داشته‌اند و همان کاربرد عامی است که آنها به کار برده‌اند. پس نتیجه‌ای که از مطالب بالا می‌توان گرفت این است که در منابع اهل سنت اولاً؛ روایات انتظار از نظر تعداد بسیار محدود است. ثانیاً؛ همین تعداد قلیل دارای نقل کثیر می‌باشد. ثالثاً؛ توجیه صدوری خاص و واژگان خاص که در منابع حدیثی شیعه مطرح بود در اینجا وجود ندارد. رابعاً؛ روایات انتظار اصلاً در کاربرد خاص به کار برده نشده است. از این رو نمی‌توان روایات انتظاری که در منابع اهل سنت آمده را به سوی انتظار خاص سوق داده و انتظار مورد نظر که همان انتظار مطروحه در مهدویت است را از آن برداشت نمود.

نتیجه‌گیری

انتظار در میان گروه‌های اسلامی جایگاه مهم و خطیری دارد. نقش آن در هدایت‌گری و ساماندهی جامعه نقش تأثیرگذار و بی‌بدیلی بوده و همه مسلمانان با تفکر و نگرش‌های مختلف مذهبی به نوعی بدان اعتقاد دارند. اما از اصل این باورمندی و پای بندی همگانی که یک اصل بسیار مثبت و مهمی است بگذریم، اختلافاتی در نقل روایات انتظار و رویکردهای عام و خاصی که نسبت به آنها شده و نیز تفاوت‌های از نظر تعداد روایات انتظار و گوناگونی منابع نقل آنها در میان گروه‌های اسلامی مطرح شده است که باید خوب مورد توجه قرار گیرد. روایات انتظار در منابع حدیثی شیعه جایگاه خاصی داشته و با دو رویکرد عام و خاص توجیه می‌شود و

از نظر تعداد (روایات انتظار عام و خاص) قابل توجه بوده و از نظر نقل دارای منابع مختلفی می‌باشند ولی در منابع حدیثی اهل سنت این قضیه بالعکس شده است مثلاً روایات انتظار در منابع حدیثی اهل سنت همگی با رویکرد عام توجیه شده و متأسفانه با رویکرد خاص اصلاً نشانه‌گذاری نشده است. بنابراین روایات انتظار در منابع حدیثی اهل سنت اولاً؛ از نظر حجم بسیار محدود بوده و از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. ثانیاً؛ همین حجم محدود روایات انتظار همگی بار رویکرد عام توجیه می‌شوند ثالثاً؛ نقل روایات انتظار و منابع نقلی آنها در منابع حدیثی اهل سنت کثیر می‌باشد.

منابع

- ابن كثير، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٢ق
- ابن منظور، *لسان العرب*، بيروت: داراحياء التراث العربى، مؤسسة التاريخ العربى، ١٤١٦ق
- اصفهانى، محمدتقى، *مكيال المكارم*، تحقيق: سيدعلى عاشور، بيروت: مؤسسة اعلمى للمطبوعات، ١٤٢١ق
- البستوى، عبدالعليم عبدالعظيم، *المهدى المنتظر عليه السلام فى ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة*، بيروت: دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٢٠ق
- البيهقى، احمد بن الحسين، *شعب الايمان*، تحقيق: محمد السعيد بن بسيونى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٠ق
- ترمذى، *سنن ترمذى*، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دوم، ١٤٠٣ق
- الجرجانى، عبدالله بن عدى، *الكامل*، تحقيق: حيدر مختار غزاوى، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠٩ق
- الحرانى، ابن شعبه، *تحف العقول*، تصحيح و تعليق: على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسین، ١٣٦٣ش
- خويى، سيد ابوالقاسم، *صراط النجاة*، تحقيق: ميرزاى تبريزى، قم: دارالصدیقه الشهیده، ١٤١٣ق
- دهخدا، على اكبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٣٤ش
- الذهبى، محمدبن احمد، *میزان الاعتدال*، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، بی تا
- سيوطى جلال الدين، عبدالرحمن بن كمال، *الدرالمشور*، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بی تا
- _____، *الجامع الصغير*، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠١ق
- صدوق، محمدبن على، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، ١٣٦٢ش
- _____، *أمالى*، بيروت: اعلمى، پنجم، ١٤٠٠ق
- _____، *عيون الاخبار الرضا عليه السلام*، مترجم: مستفيد و غفارى، تهران: نشر صدوق،

١٣٧٢ش

- _____، *كمال الدين*، تهران: اسلاميه، دوم، ١٣٩٥ق
- _____، *كمال الدين*، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ١٤٠٥ق
- الطبراني، سليمان بن احمد، *الدعا*، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٣
- طبرسي، فضل بن الحسن، *اعلام الوري*، تهران: اسلاميه، سوم، ١٣٩٠ق
- طوسي، محمد بن الحسن، *الغنية*، قم: مؤسسه معارف اسلامي، ١٤١١ق
- العاملى النباطى البياضى، على بن يونس، *الصراف المستقيم*، تصحيح: محمد الباقى البهبودى الحيدرى، بى جا: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بى تا
- القاضى التنوخى، محسن بن على، *الفرج بعد الشدة*، بيروت: مؤسسة النعمان، ١٤١٠ق
- القضاءى، محمد بن سلامة، *دستور معالم الحكم*، قم: مكتبة المفيد، بى تا
- _____، *مسند الشهاب*، تحقيق: حمدى عبدالمجيد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ق
- كلينى، محمد بن يعقوب، *كافى*، تهران: اسلاميه، دوم، ١٣٦٢ش
- المتقى الهندى، على بن حسام، *كنز العمال*، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق
- مجلسى، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران: اسلاميه، بى تا
- المناوى، محمد عبدالرؤوف، *فيض القدير*، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، *الغنية*، تهران: نشر صدوق، ١٣٩٧ق
- الهيثمى، على بن ابى بكر، *مجمع الزوائد*، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ق